

در بیان عظمت حبیب رب العالمین

۲۵۰۸۱



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران



بسم الله الرحمن الرحيم

لَا يَخْرُكُ ذَرَّةُ الْآبَادِينَ اللَّهُ

در بیان فضیلت صیب رب العالمین

اگرچه در هر محل و مذاهب فضایل آن برگزیده خداوند متعال من
و هویدست چنانکه کتابهای سماوی تماماً شایسته و براین
مطلب است که اشرافیت و فضیلت آن محرم و سرّیه نبوت و رسالت
لایق و لایحهی است بلکه تمام آفرینش از فضل او آفریده و هویدست
الَّذِي قَالَ اللَّهُ فِي حَقِّهِ لَوْلَاكَ لِمَا خَلَقْنَا لَا فَلَكَ
لهذا فضایل خورشید را از برای هر عارف عالمی

دانش و فہمیدن از اصل ایمان است مگر از برای ہر کسی
رسیدہ و وسیلہ آن نخواہد بود کہ کتابی بدست یازند یا
افواہ از عالمی و عارفی تحصیل نمایند باین بعضی از فضایل
کہ نزدیک فہم عوام است در این صنفی می نگارند انکہ عافی
امت و مستضعفین ملت ہمگی نصیب نباشند فضیلت
اول امت کہ آنحضرت اول آفرینش است فضیلت
دوم انکہ خداوند جل شانہ از انبیاء علیہم السلام عہدہ
گرفت کہ چون زمان وارد یابند پیروی او کنند
لَقَالَا لَآ اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاِذَا خَلَا اللّٰهُ مُشَآئِیَ النَّبِیِّیْنَ فَضِیْلَت
سیم خداوند ہر پیغمبری را نام خطاب فرمودہ چاک
میفرماید اِنَّا اَدَمُ اَسْکُنُ الْخ وَاَنَا نُوحُ اَهْبِطُ الْخ وَاَنَا
اِبْرٰهیمُ اَعْرِضُ الْخ وَاَنَا مُوسٰی اِنِّیْ اصْطَفٰیْکَ
الْخ وَاَنَا دَاوُدُ اِنَّا الْخ وَاَنَا زَکَرِیَّا اِنَّا الْخ وَاَنَا
مَحْمَدٌ خذِ الْکِتَابَ الْخ وَاَنَا عَلِیُّ بْنُ مَرْثَمٍ اذْکُرُ الْخ

و محمد را با اسم خطاب فرمود از برای عظیم با القاب خطاب
 فرموده است مَا تَدْعَا بِهَا النَّبِيُّ وَ مَا يَدْعَاكَ الرَّسُولُ وَ مَا
 النَّبِيُّ فَصِلَتْ حَیْرَمِ اُمِّ سَالِفَه رَوابود که
 پیغمبر خود را با نام خطاب کند و محمد را جایز نباشد چنانکه می
 فرماید لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا
 زیرا که در اول ما محمد را با ابوها اسم می گفتند بعد از این به مبارکه
 یا رسول الله یا نبی الله خطاب میکردند فضیلت پنجم
 خداوند تبارک و تعالی به بلدان رسول معظم سو کند یا ذکر کرده است
 مِیفرماید لَا أَقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ
 و بحیات بیچاک قسم می آید کرده خبر او که میفرماید لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ
 لَفِي سَكْرَةٍ مِنْ بَعْمَهُونَ و در حق رسالت او قسم می آید فرموده
 یَسْ وَالْفُرْآنِ الْحَکِیمِ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِینَ و در شهادت
 هدایت فرموده است فَصِلَتْ ششم آنحضرت را جامع
 الکلام عطا فرمود چنانکه فرمود عطاءنی جامع الکلام فضیلت

و الله اعلم
 بحال

همچو هست و راه یکماه راه در دل اعدا فکند فضیلت
هشت گنم غنایم را بر اعم ماقت قدم حرام و بر است او حلال شد
فضیلت نهم تمام روی زمین از برای معبد و مسجد است
او خداوند جبار و شہت و خاک را از برای تیمم بجای آب اجازه
فرموده و اعم سابقه را بغیر از معبد معین عبادت جاز
بنود فضیلت دهم اگر بر تمام خلایق معبوث شد
و انبیا و ماقت قدم هر یک بقومی معبوث بودند اگر چنانکه از انبیا
بر انس معبوث بودند آنحضرت بر تمام جن و انس معبوث
شدند فضیلت یازدهم اگر چشم نبوت بوجود مبارک
آنحضرت شد چنانکه نقل حدیث حضرت عیسیٰ در آخر
الزمان از آسمان نهد و آید نسخ شریعت آنحضرت را
نکند متابعت نماید در امر او فضیلت دوازدهم اگر
در غزو است ملا که حاضر می شدند و با دشمنان او مخاصمه
میکردند فضیلت سیزدهم اگر خداوند آنحضرت را

رحمت بر عالمیان ساخت چنانکه میفرماید وَمَا أَرْسَلْنَاكَ
 إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ این فیض و رحمت و محبت
 او منقطع نمیشود و تفسیر رحمت للعالمین گفته اند انی رحمة
 للجن والانس و فیل لجميع الناس رحمة
 للمؤمن بالهداية و رحمة بالمؤمنين للأمان
 من الفيل و رحمة للكافرين بآخیر العذاب
 فضیلت چهاردهم در زمان بعثت او شیاطین از
 عروج آسمان ممنوع شدند فضیلت پانزدهم
 اسرافیل را و نازل شده است که بر هیچ پسر نیاید
 فضیلت ۱۶ در شان آنحضرت امه ائمه فخرنا الخ
 فضیلت ۱۷ خداوند جل شانہ ابناء ما تقدم را بسؤال
 عطیستی میدو آنحضرت را بی سؤال عطا فرمود
 فضیلت ۱۸ کماخ زمان آنحضرت را از بعد آنحضرت
 حرام ساخت فضیلت نوزدهم از قاضی و خواجه مهدیه

که از پیش روی منی گزینیت فضیلت چشم شریعت^۱
پاینده است تا قیامت و مانع شریعت سابقه است^۲
نور خداوند بزرگ و تعالی محیط انحضرت بود چنانکه فرمود
اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي نُورًا مُوتَدًا

فضیلت^{۲۲} جسم مبارک او سایه نداشت و جامه^۳ از
قوت وجود مبارکش نرسایند داشت فضیلت^۴
پست و سیم خداوند جل شانه او را حبیب خود ساخت
فضیلت^۵ چشم و چهارم آفرینش را تمام از بدایت تا انتها
بخشش عرضه داشت تا تمام را کمشوف و شست این
است بعضی از آن را احب بار فرمود فضیلت^۶
چشم و پنجم اگر در بهترین قرون انجمن شد چنانکه
میفرماید بَعِثْتُ مِنْ خَيْرِ قُرُونٍ فضیلت^۷
وجود مبارکش را شرف قبایلیست میفرماید إِنَّ اللَّهَ

اصْطَفَى مِنْ وَلَدِ ابْنِ هَبِيمٍ ۴ فضیلت^{۲۶}



اینکه اشرف امم است قال الله تعالى كنتم خیر امة
 اُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ فضیلت ۱۲ اجماع است
 آنحضرت آجت قاطع است فضیلت عسیت و نم
 امت او بر ضلالت اجماع نکند چنانکه فرموده است
 لَا يَجْمَعُ أُمَّتِي عَلَى الضَّلَالَةِ فضیلت ۱۳
 امت او بر دیگر امم کواکیرند و قبول است فضیلت ۱۴
 امت آنحضرت از سایر امم است و بی دارند در محضر ما
 أَنَا أَكْثَرُ الْأَنْبِيَاءِ تَبِعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ
 فضیلت ۱۵ چهار دانگ از بهشت مخصوص امت
 آنحضرت است فرموده است إِنِّي لَا رَجُوانَ تَكُونُوا
 ثُلَاثِي أَهْلِ الْجَنَّةِ فضیلت ۱۶ از برکت وجود مبارک
 امت او از قحط ملاک نشوند فضیلت ۱۷ برمت او پیکان
 و دشمن سلسط نخواهد شد انشاء الله و در وقت آنحضرت
 که از خداوند خواسته ام امت من بود عموم فقر ملاک نشوند

ماند امت نوح غرق نشوند در میان ایشان خلاف واقع شود
فضیلت ۳۵ خداوند چنان آریسم تکالیف صعبه را
از امت او برداشت است فضیلت ۳۶ صفوف
امت او را چون ملائکه داشت میفرماید جَعَلْتُ صُفُوفًا
كَصُفُوفِ الْمَلَائِكَةِ فضیلت ۳۷ خداوند میفرماید يَا أَيُّهَا
الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ
پس از رسول این آیه را پست کرد فضیلت ۳۸
بر نماز که از فرض است که چون رسول خدام او را بخواند جواب دهد
و این زیانی نماز ندارد فضیلت ۳۹ بدیه از
بر کسی بر آنحضرت حلال بود بی کراهت فضیلت ۴۰
در وضع بستن بر آنحضرت مثل سایر اکاذیب نیست بلکه از آن
که باریست چنانچه در نقل است هر که عمداً بر منعم دروغ بگوید
او کافر است فرمود فضیلت ۴۱ هر کس خضرش در
خواب ببیند زیرا که شیطان بر صورتیکه باشد متمثل شود

من حالتی بجهنم می بیند که از آنجا می آید

به صدق باشد

شد و بصورت آنحضرت شود فضیلت ۴۲ اول
 کسی باشد که در محضر از قبر حسین و میفرماید اَنَا اَوَّلُ
 مَنْ نَشَقَّتْ عَنْهُ الْاَرْضُ فضیلت ۴۳
 رتبت عظمی شفاعت او راست چنانچه بعد از مهت خود انجناب
 ارباب ارحم انگاه که از پیغمبران نامید شدند پناه بوجود
 مبارک آنحضرت بزند فضیلت ۴۴ اول کسیکه شفاعتش
 مقبول افتد آنحضرت خواهد بود میفرماید اَنَا اَوَّلُ
 شَافِعٍ وَاَوَّلُ شَفِيعٍ فضیلت ۴۵ لوای حمد در
 قیامت مخصوص آنحضرت است میفرماید لَوَاءُ الْحَمْدِ
 يَوْمَئِذٍ بِيَدِي فضیلت ۴۶ اشرف خلایق و شیوای
 ایشانست در قیامت فضیلت ۴۷ تمام نبیاء در
 سایه لوای او باشد فرماید اَدَمُ وَ مَنْ دُونِهِ
 تَحْتَ لَوَائِي و نیز میفرماید اَنَا اَكْرَمُ الْاَوَّلِينَ و
 الْاٰخِرِينَ فضیلت ۴۸ اول کسیکه باشد در رتبت و ایدم

میفرماید اَنَا اَوَّلُ مَنْ يَفْزَعُ بَابِ الْحَيَّةِ

فصلت ۴۹ امت آنحضرت از همه ائم زودتر

بهشت درآید فصلت ۵۰ حوض کوثر از مخصوصات

آنحضرت خداوند تبارک و تعالی میفرماید اِنَّا

اعطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ فصلت ۵۱ مقام محمود از برای آن

مقدس آنحضرت خداوند میفرماید عَسَىٰ اَنْ يَّبْعَثَكَ

رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا فصلت ۵۲ درجه وسیله اورا

فرموده سَلُوا اللَّهَ فِي الْوَسِيلَةِ عرض کردند وسیله

چیت و نمودند اعلی درجه بهشت است فصلت ۵۳

در تار یکی خیابان دیدی که در روشتنای فصلت ۵۴

ثامت که زرافعال شیطانست از برای آن حضرت

بنود فصلت ۵۵ کس در بدن مبارکش نمی نشست

فصلت ۵۶ خلق مبارکش از تمام بشر بهتر بود خدا میفرماید

وَ اِنَّكَ لَعَلَّ خُلُقٍ عَظِيمٍ فصلت ۵۷

در خلقت و تناسب اعضا از خلق اولین و آخرین بود.
 فضیلت ۵ در صحف و کتب انبیاء مژده ظهور آنحضرت وارد
 شده و اهل سیر از ایشان بگویند فضیلت ۵۹
 معجزات پیغمبر این تمام از برای آنحضرت بود و فضیلت ۶۰
 خداوند عز و جل میفرماید اگر نه محمد بودی آدم و هشتاد و پنج
 نیافریدیم تحقیق که عرش را ایجاد کردیم و تفرقه مضطرب
 بود بر آن نوشتیم لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ

قرار گرفت

مرویت که از حضرت مقدس سؤال کردند که یا رسول
 افضلیت و شرافت در چه فضل و کمال در حسن و جمال
 شمارست یا حضرت یوسف را حضرت فرمودند هُوَ
 أَحَبُّ مِنِّي وَأَنَا أَحَبُّ مِنْهُ بنام یوسف
 قره حسن و جمال آمده که فرستادند تا بیایند شد در محله و فضل و
 کمال و خویش خوبی را با آنانی که از ایشان

کثیر و ما ادریک لک الا رحمة للعالمین که چنانچه
امین زینب در راه منتهی در رسید و عرضه داشت
رحمة للعالمین و آسمان نور یوسف و نور تراقی و نور
حسن و جمال یوسف را رسید اما بیا و نور و شرف و نور
و شجاعت و فرومیت و عز و تمت و حمد و عباد
و عوض و شفاعت و مشلت و اجابت و قبول و دعوت
قرآن و قسط و امامت و امانت و دیانت و فرست
و ایمان و فضل و احسان و رضا و صبر و قناعت و شکر و
حمد و ذکر و جبراء و اف و کاس ازوی و لوا و حمد و جود
مورد و مقام محمود و منزه و دود و اسلام و ولدان کرام
و رفعت نام و حسب شریف و نسب معروف و شجره مبارکه
و شجره راسخ و علو درجات و زبان فصیح و کلام طبع
و دل حضور و حسن و کرم و ظاهر و شرف و فاخر
و کف نذل بود و وصف رکوع و سجود و استقامت شریعت

و اعلام طریقت و احکام حقیقت و بلد محترم و مسجد معظم
حج و عمره و زکرم و نماز عتوت و زکوة مفروضه و روزه
رمضان و خواندن قرآن و جمعه و جماعت و تملیل و تحبیه
و علم و وقار و شفاعت و استغفار و بزرگی و جبرتی و مهر
و انکساری و سردری بر همه انبیاء و صد هزار خدین
را دادند یا رسول الله عارفی لطیفه گفته است اگر چه از جمال
یوسف علیه السلام پرده برداشته شد زمان مصر دستها بریدند
اما هنوز از جمال محمدی صلی الله علیه و آله پرده برداشته
که هرگز از هزار مردان مرد و زن را بریدند اگر امر و در صف
ناقصان عقول پرده از جمال یوسف برداشته شد دستها بریدند
خود که در صف رجال الله پرده از جمال محمدی صلی الله علیه
و آله برداشته میشود صد هزار هزار کرد و ربکه تمام عصبیان
امت از دوزخ بکنند چنانچه وارد است که در آن شب قرب
و کرامت آن سلطان اقلیم رسالت خطاب مستطاب

بیت الارباب جل جلاله بحیریل و در رب که از حضرت
محمد راضی است علیه و آله در هشتاد و نه هزار پرده غنمت
ستواری گردانیده ایم شب یک پرده از آن پرده را برد
تا منظر آره کیا عالم بالا حسن و جمال محمدی راضی است علیه
و آله نظار کنند چون بحیریل با بر رب حلیل یک پرده
از هشتاد و نه هزار پرده از جمال و جمال محمد راضی است علیه و آله برد
نوری پیدا شد که در پرده آن نور نه عرش نور مانه و نه
کرسی را و نه آفتاب و نه ماه را و نه ستاره و نه کروبیان عالم
قدس را بعد خطاب آید که ای محمد راضی است علیه و آله تا چه
عم امت خوری شب یک پرده از هشتاد و نه هزار پرده
از جمال تو برداشتیم نور قمر آفتاب عرش کرسی لوح قلم
همه را صحنه نماند ما چیر کرد فردا که در عصا است قیامت
که این هشتاد و نه هزار پرده پر داریم اگر معاصی و ذلالت
و هفوات امت در جنب آن ما چیر کرد و چه عجب

الحمد لله الذي جعلني من أمة محمد صلى الله عليه وآله
فصليت در ولادت حضرت نبوت مآب صلی الله

عليه وآله و بعضی از علامات و معجزات در حین ولادت
از احادیث و اخبار چون یکماه از حمل آمنه و آله حضرت
گذشت آسمان و زمین نباتات و جمادات یکدیگر را بشارت
میداد و چون دو ماه از حمل آنحضرت گذشت ملکی از آسمان
و زمین ندا داد که صلوات فرستید بر محمد و آل او و استغفار
کنید بر امت او و چون سه ماه گذشت ابوقحافه از سفر شام
مرا حبت میکرد چون نزدیک بکعبه معظمه رسید ناگاه او از
برای سجده بر زمین نهاد ابوقحافه به تنیدی برآمد ناگاه
با تفسی زاد و داد که مگر منی پسنی حمله افروزش را که سجده
شکر آنه کنند برای منی بر که بوجود می آید و چون
چهار ماه گذشت زاهدی از طایف روانه مکه شد
در راه طفلی را دید که برود را فتاده بر زپه او را

برداشت باز سجده در افتاد و با نشیمن از دو که دست از
او بردار که سجده شکر در افتاد و از برای مولود
پنجم برگزیده چون پنج ماه بر گذشت همان شب
نخاعه خوشی مراجعت کرده خانه خوشی را دید که
زلزله در افتاد و است و از سکون باز ماند و بر
محراب آن نقش شده است که ای اهل صومعه ایست
آید بخدا و رسول او محمد صلی الله علیه و آله که نزدیک
شد ظهور آنحضرت زاهدان و دیدن این کلمات باریک
ایمان آورد چون ماه شش منقضی شد اهل مدینه
ملیه بقانون خوشی که هر سال عید میکردند و عید
خودشان حاضر میشدند و درختی داشت که در این روز
نزد آن درخت اجماع میکردند و آن درخت رستایش
و پرستش میکردند و خوشش میخواستند و این روز
چون نزد درخت مجتمع شدند آوازی از آن درخت برآمد

که جاء الحق و دہش الباطل ان لبس اطل کان زہوق
 مردم از آن صدمہ برآمد و بسیاری خوش شامند
 در ماه یستم سواد بن قاری رب عز و جہد المطلب آگفت کہ شب
 در میان خواب و بیداری دیدم کہ در مای آسمان کشود
 و انگاری در پای و زمین نزول میکرد و میگفتند
 زینت کنند زمین را کہ نزدیک است فزونی و جلال
 علیہ و آلہ کہ رسول خدا است بسوی ما فہ فلق چون
 ماہ ہشت برآمد ما ہی کہ طہوس نام دشت در بحر
 اغلج بر دم خویش با بیتاد ملک و راکش کہ امی ای
 چه میشود ترا کہ بحر را مثل طہوس ساختہ گفت پروردگار
 من انجا کہ مرا آفرید فرمود کہ چون قمر صفا شد
 علیہ و آلہ ظہور کرد اقامت او را دعا کن پس از برای
 دعا کردن بکرت آمد م و در ماہ نهم و نہ ہزار ملک از
 آسمان فرود آمدند ہر یک قیدی از نور بدست داشتند

نوشته بود لا اله الا الله محمد رسول الله و بدو
که مظهر صفت زدند و میگفتند این نور محمد است
با جمله حضرت بجا هر متولد شد و برخلاف همه مولود
از پانزده رو آمد و از روی طرف کعبه مظهر بسجده
در اوقات نوری از فرق مبارکش ساطع گشت که
آسمان و زمین روشن شد قصرهای شام بمن و
فارس مشاهده اوقات که مانند آتش فروخته در جهان
بود و مرغان هوا بدور کعبه جمع شدند و کوهها بجانب
کعبه مشرف شدند و صحرای نام و اوامان شکستند
در اوقات بدت پرستان جمع آمدند آن بت بزرگ را
بچندین دفعه نصب کردند و قرار گرفت برود اوقات
در هم شکست در این هنگام ابر سفیدی پدید
آمد و حضرت را فرو گرفتندانی رسید که
ظرف قوی به محمد شریف الارض غزوهها و اوجها را

لَتَعْرِفُوهُ بِأَسْمَاءٍ ذَقِيسَةٍ وَصُورَةٍ يَعْنِي بِكُرْدَنَدِ مُحَمَّدٍ رَا
 بِمَشْرِقٍ وَمَغْرِبٍ وَدَرِیَا بِاَتَا هَمْدِ خَلْقِ اَوْرَا بِنَامِ
 وَصِفَتِ وَصُورَتِ بَشَنَسَنَدِ مَرَوِیْتِ كَهْ عِدِ
 اَز سَهْ رُوزِ عِبْدِ الْمَطْلَبِ مُحَمَّدٍ رَا دَرِ آغُوشِشِ كُوفَتِ
 سَخَانَهْ كِهْ دَرِ آوَرْدُ وُچُونِ بَدْرِ خَانَهْ رَسیدِ اَبْخَضَرَتِ
 بِزَبَانِ مَحْجَنَدِ پَانِ فَرْمُودِ بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاَلِیْهِ كَعْبِ
 مَعْظَمَةِ بَسْمِیْنِ دَرِ اَمَدِ دَرِ جَوَابِ كَفْتِ اَللّٰمُ عَلَیْكَ
 يَا مُحَمَّدُ صَلِّ اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ
 بِاَتَفِیْ آوَا زِدَادِ كِهْ جَاءِ الْحَقُّ وَرَهَقِ الْبَاطِلُ اَز
 جَمَلَةِ عِلَامَاتِ وَشَرَا فِتِ النَّشَبِ بَا بَرَكَتِ
 وَمِیْمَنَتِ اَیْنَكِهْ سِیرِ الْمِیْسِ لَعِیْنِ وَتَمَامِ شِیْءِ طَلِیْنِ
 اَزْ عُرُوجِ نَفْلَاكِ مُنْقَطَعِ شَدِ وَكَاهِنَانِ اَزْ
 هَمْرَا دَانِ جِدَا وُ دُورَا فَا وُ نَدُو خَا رَعِیْنِ
 مَوْقُوفِ كَرُودِ وُ كَرُ وَا رِ سَحْرَهْ وُ عِلْمِ قِیَامَهْ عَوْشَدِ

و در همان شب چهارده کنگره از ایوان کسری
افتاد و طاق ایوان شکافته شد و هم در آن
شب دریاچه ساوه بر زمین فرو رفت و هم در آن
شب آتشکده فارس که دو هزار سال
قبل از آن روشن بود خاموش شد شب و
و ثوابت و آثار عجیب و قریب در آسمان
پدیدار بود و نکته دیگر بدانکه هر یک از پیغمبران
خلوت خانه بود که در آن خلوت از نفس
خود باز رسته و بحق پیوسته بودند از آن جمله
حضرت موسی را خلوت گاه طور بود که طاهرش
بمطالعه انظر الی حیل باطنش میباشیده انوار
خلوت گاه حضرت عیسی علیه السلام فلک چهارم
بود جسمش با ملائکه همراز جانش بعالم قدس تحتعالی
و مساز بل رفیع الله الیه خلوت گاه حضرت

اَبْرَاهیم علیه السلام درون آتش بود ظاهرش با آتش
مشغول و سرش بحضرت جل و علا مکاشف و این
کلمه تمکیم اِتی ذاهِبْ اِلِی رَبِّی سَیْهَدِیْن اَمَّا خَلُوْت
خَانِه رسالت صلی الله علیه و آله آن بود که چون
خواستند از ماسوی خلاصش سازند و سرش
تمامی از غیر خود باز دارند بمقام قرب باین
کنایه فرمودند که دَنی فِتْدَی فِکَانَ قَابِ
وَسَیْسِیْنَ اَوَاذِ مَا اَنْ بُوْدَکَ نَفْسِیْنَ اَخْخَرْتِ صِلَاةَ
عَلِیْهِ وَاَلْاِذَاتِ مَعْدَسِیْ شُغُوْلُ شَدُوْدِ اَنْ فِرَا فِت
نَفْسِیْ رَاوَرْدَکَ اَلْاِجْمَاةُ تَبِیْرُ وَاَلْاَصْلُوَّةُ وَاَلْطَّیْبَاتِ
چون عرض این تحیت فرمود و بشارت سلام از
حضرت ملک علام مشرف گشت و خلعت رکت
و رحمت مخصوص شد که اَسْلَامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا النَّبِیُّ
وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکَاتُهُ خطاب آمد که یا محمد صلی الله

علیه و آله بنشین و خاموش باش همه پیغمبران
استادان بود ترا نشستن آنها کفشتن بود ترا شنیدن
همه کفشتن باشند دیدم اکنون تو بشنو ما بگویم همه
کس راز خود با حبيب خود گفتند من راز خود
با تو میگویم فَاَوْحِیْ اِلَیْ عِبْدِیْ مَا اَوْحِیْ بَیْتِ
پادشاهم او اذنا می فرماید ^{بشنو} و زان سر را او عجب رهنش
جوایی نیرسد هر دم گوش من بآن عالم
که من راز بوشنیدم تو اکنون راز بشنو





سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران